

تحلیل شیوه‌های طرح و بیان معنا در قطعات «بهار»

معصومه بوستانی^۱، حمیدرضا فرضی^{۲*}، ابراهیم پوردرگاهی^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^{۲*} دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول)

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نویسنده مسؤول: Email: farzi@iaut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

یکی از مسائلی که برای شاعران اهمیت بسیاری دارد چگونگی پروردن معنا و طرح و بیان آن برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب است؛ در این میان استفاده از شیوه‌ها و ابزار مختلف برای پروردن و طرح و بیان معنا در قالب قطعه - با توجه به اینکه مخاطب آن عمدتاً عامه مردم هستند و بیشترین و مهم‌ترین موضوعات آن، پندهای اخلاقی و سخنان حکمی است - از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی از شاعران مهم قطعه‌سرا در ادبیات معاصر، ملک‌الشعرا بهار است که حدود ۱۵۰ قطعه در موضوعات مختلف سروده و برای پروردن و طرح و بیان معنا از شیوه‌های مختلفی بهره گرفته است که در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. فرض نویسندگان بر این بوده است که بهار در قطعات خود از شیوه‌ها و ابزار مختلفی برای پروردن و بیان معنا استفاده کرده است؛ مبتنی بر ایده مذکور و با تحلیل محتوایی قطعات، استفاده بهار از شیوه‌های مختلف برای بیان معنا اثبات شده است و در سه بخش ساختاری، توصیفی و استنادی مورد بحث قرار گرفته است. نتایج بحث حاکی از این است که چگونگی پروردن و بیان معنا برای بهار اهمیت زیادی داشته است و او برای تنوع و تفنّن در بیان، پرهیز از یکنواختی، تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب و اقناع او، برانگیختن احساسات مخاطب، تجسم بهتر مطلب در ذهن خواننده، به کرسی نشاندن حرف خود، ایجاد نظم و آراستگی در کلام، روشن‌تر و بارزتر بیان کردن معنا و ... از این شیوه‌ها استفاده کرده است.

کلیدواژه: قطعات بهار، طرز بیان، پروردن معانی، ساختار، توصیف.

۱ - مقدمه

منظور از شیوه‌های طرح و بیان معنا، به کارگیری روش‌ها و ابزار مختلفی است که شعرا و نویسندگان برای پرورش و ارائه معانی مورد نظرشان از آن‌ها بهره می‌جویند؛ از قبیل استنادی، بلاغی، توضیحی و تفسیری، ساختاری و غیره. در ادبیات، شیوه بیان عنصر بسیار مهم - و شاید بتوان گفت مهم‌ترین عنصر - است و منتقدانی که «چگونه گفتن» را بر «چه گفتن» ترجیح داده‌اند بر این نکته صحّه گذاشته‌اند و چگونگی بیان معنا را بر اصل معنا برتری داده‌اند. در ادبیات فارسی - مثل ادبیات سایر ملل - شعرا و نویسندگان برای انتقال معنا به مخاطب و بویژه برای تأثیرگذاری بهتر و بیشتر در او، از شیوه‌ها و ابزار مختلفی برای پرورش معانی استفاده کرده‌اند و اتفاقاً همین شیوه بیان است که مرز بین شاعران و نویسندگان را مشخص می‌کند و موجب تفاوت آن‌ها با یکدیگر و موجد سبک فردی آن‌ها می‌شود. استفاده از شیوه‌ها و ابزار مختلف برای طرح و بیان معنا در همه قالب‌های شعری مهم است؛ در این میان، در قالب قطعه - با توجه به این‌که مخاطب آن عمدتاً عامه مردم و بیشترین و مهم‌ترین موضوعات آن، پندهای اخلاقی و سخنان حکمی هستند - از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که شاعر باید مطلب را به گونه‌ای بیان کند تا مخاطب عام او، پیامش را که حاوی پند و اندرز و سخنان حکیمانه است و به قصد تأثیرگذاری در مخاطب و ارشاد او سروده شده بهتر درک کند.

۱-۱- بیان مسأله

ملک الشعراء بهار یکی از شاعران ممتاز قطعه‌سرا در ادبیات فارسی، است که حدود ۱۵۰ قطعه در دیوان او وجود دارد و آن‌ها را در موضوعات مختلف مانند پندهای اخلاقی، ماده تاریخ، اخوانیات، هجو، طنز، هزل، مسائل سیاسی و اجتماعی، توصیف، مدح و مرثیه سروده است. او مثل همه شاعران برای پرورش معانی مورد نظر خود از شیوه‌ها و ابزار مختلفی سودجسته است تا بتواند تأثیرگذاری بیشتری در مخاطب داشته باشد مخصوصاً که بیش از یک سوم قطعات او در موضوع پندهای اخلاقی و سخنان حکمت‌آمیز است - ناگفته پیداست که بیان و ارائه مطلب در این موضوع چقدر مهم است. با توجه به اهمیت موضوع شیوه بیان در قطعات بهار و ضرورت بررسی آن، ما در این مقاله قصد داریم شیوه طرح و بیان معنا در قطعات بهار را بررسی کنیم. مسأله و پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که بهار از چه شیوه‌هایی برای طرح و بیان معنا و پرورش آن بهره گرفته است؟ هدف از انجام این پژوهش، استخراج شیوه‌های مختلف بیان معنا در قطعات بهار و تحلیل آن‌هاست.

۱-۲- سؤالات تحقیق

- ۱- شیوه‌ها و ابزار ساختار بیان معنا در قطعات بهار کدامند؟
- ۲- شیوه‌ها و ابزار توضیحی بیان معنا در قطعات بهار کدامند؟
- ۳- شیوه‌ها و ابزار استنادی بیان معنا در قطعات بهار کدامند؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

- ۱- بهار در قطعات خود از شیوه‌های ساختاری، هم‌چون حکایت، روایت، گفت‌وگو و ... برای بیان معنا بهره گرفته است.
- ۲- بهار در قطعات خود از شیوه‌های توضیحی، مانند استدلال، بررسی علل و نتایج، مقایسه، تداعی معانی و ... برای بیان معنا بهره گرفته است.
- ۳- بهار در قطعات خود از شیوه‌های استنادی، مانند تضمین، نقل سخن دیگران و استناد به آیات و احادیث برای بیان معنا بهره گرفته است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

سمعی (۱۳۸۰) در کتاب «نگارش و ویرایش» در فصل چهارم با عنوان «راه‌های پروردن معانی» (صص ۸۳-۱۲۰)، روش گوناگون پرورش معانی را در هشت قسمت به شرح زیر آورده است: تعریف، توصیف، استدلال، بررسی علل و نتایج، استشهاد، مقایسه، تقسیم‌بندی و مکالمه و مناظره. غلامرضایی (۱۳۸۸) در کتاب «سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه» در بخش چهارم با عنوان «بعضی از شیوه‌های طرح و توضیح مطلب در نثرهای صوفیانه» (صص ۳۳۹-۳۰۹) به تحلیل شیوه‌های بیان در نثر صوفیانه پرداخته است. فرضی و امانی (۱۲۹۴) شیوه‌های طرح و بیان معنا را در قطعات ابن‌یمین بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که با توجه به جنبه ارشادی و تعلیمی داشتن قطعات ابن‌یمین، شیوه بیان برای او اهمیت زیادی داشته است تا سخنش مورد توجه و قبول خوانندگان قرار گیرد. مهرآور گیلگلو و همکاران (۱۳۹۹) به تحلیل راه‌های پرورش معانی در مثنوی معنوی پرداخته‌اند، نتایج تحقیق حاکی از آن است که مولوی در مثنوی از راه‌های مختلفی برای پرورش مطالب و ایده‌های مورد نظر خویش بهره برده است از جمله: تعریف، توصیف، استدلال، بررسی علل و نتایج، مقایسه، تقسیم‌بندی و مناظره. مجرد و همکاران (۱۳۹۸) شیوه‌های ساختاری، توضیحی و استنادی بیان معنا را در انوار سهیلی کار کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که دلیل رویکرد ارشادی و تعلیمی در انوار سهیلی، شیوه بیان برای نویسنده اهمیت زیادی داشته است و او برای ایجاد تنوع در بیان، دوری از یکنواختی کلام، اقناع خواننده، آراستگی کلام و مهم‌تر از همه تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب از این شیوه‌ها بهره برده است. اما در مورد شیوه‌های بیان معنا در قطعات بهار تا به حال تحقیقی صورت نگرفته است.

۱-۵- روش تحقیق

با توجه به نوع تحقیق - یعنی کیفی بودن آن - روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از نظر فضای انجام کار، مطالعه منابع و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است؛ با این توضیح که نگارنده با قدرت استنباط و تحلیل خود و براساس فهم و درک متن به گردآوری داده‌ها پرداخته و با مطالعه متن و تأمل در اثر ادبی موارد مطابق با اهداف و سوالات تحقیق را از درون آن استخراج کرده است. و سپس با تقسیم شیوه‌های بیان به سه قسمت ساختاری، توضیحی و استنادی به تحلیل موضوع پرداخته است.

۱-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

با توجه به این که بهار از شاعران بزرگ معاصر است و در قالب قطعه از سرآمدان محسوب می‌شود و هم چنین مخاطب قالب قطعه عمدتاً عامه مردم و بیشترین و مهم‌ترین موضوعات آن، پندهای اخلاقی و سخنان حکمی هستند شیوه بیان برای گوینده اهمیت زیادی دارد بنابراین بررسی شیوه‌های بیانی بهار در قطعاتش و تحلیل و توضیح آن‌ها ضرورت پیدا می‌کند. و استخراج و تبیین شیوه‌ها و ابزار ساختاری توضیحی و استنادی بیان معنا در قطعات بهار حایز اهمیت است.

۲- مبنای نظری بحث

اهمیت شیوه طرح و بیان معنا در ادبیات از آنجاست که برخی منتقدان نحوه بیان معنا را مهم‌تر از خود معنا می‌دانند (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۶). به عبارت دیگر، اعتقاد دارند در ادبیات «چه گفتن» مهم نیست بلکه «چگونه گفتن» مهم است. از نشانه‌های اهمیت شیوه بیان است که برخی معتقدند آنچه به کار هنری عظمت و تشخص می‌بخشد تعبیر و بیان متفاوت است؛ به اعتقاد «عبدالحسین فرزاد» تعبیر به جهان‌بینی هنرمند وابسته است و تفاوت هنرمندان بیشتر در تعبیر دیده می‌شود. ممکن است دو نویسنده، پیام و محتوای واحدی را در قالب مشترک بیان کنند اما آنچه، آن دو را متفاوت می‌کند تعبیر و طرز برخورد آن دو با قضیه است (فرزاد، ۱۳۸۸: ۳۰-۲۹). منتقدان دیگری نیز چنین اعتقادی را درباره‌ی شیوه بیان و تعبیر متفاوت دارند؛ از جمله علی دشتی می‌نویسد: «آنا تول فرانس ادبیات را شیوه بیان می‌داند و معتقد است زیر آسمان کیود مضمون و مفهوم تازه‌ای نیست، لااقل زیاد نیست ... ادبیات جز طرز تعبیر چیزی نیست ...» (دشتی، ۱۳۸۰: ۷۱). هم چنین منتقدانی که علت غایی ادبیات را تأثیر و نفوذ آن در دل‌ها می‌دانند اعتقاد دارند «آنچه باعث تأثیر اثر در خواننده می‌شود شیوه بیان و تعبیر متفاوت است» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۱۹ و ۳۵). چنان‌که ذکر شد شیوه بیان باعث تفاوت شاعران با یکدیگر می‌شود و از طریق آن می‌توانیم به سبک فردی شاعران دست پیدا کنیم؛ به اعتقاد زرین کوب، از طریق شیوه بیان است که می‌توان دریافت «دو یا چند شاعر که معنی واحد یا مشابهی را در نظر داشته‌اند کدام یک بهتر آن معنی را ادا کرده است» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۲۸). البته در صورت مشترک یا مسبوق بودن معنا، شاعر می‌تواند آن را طوری بیان کند که متفاوت به نظر برسد و رنگ و لعاب خود شاعر را داشته باشد و این مسأله به تنها چیزی که ارتباط دارد شیوه‌ی بیان شاعر و تنوع جویی او در مضامین و تفنن در بیان معنا است؛ چنان‌که «دیوید دیچز» به اهمیت سرمشق گرفتن شاعران و نویسندگان از گذشتگان تأکید می‌کند و می‌نویسد: شاعر و نویسنده‌ی بزرگ باید با استفاده از سرمشق‌های شاعران و نویسندگان قدیم و دریافت‌های خویش به نمایش حقایق به شیوه‌ای هر چه زودتر و هوشمندانه‌تر بپردازد. (ر.ک. دیچز، ۱۳۶۹: ۱۴۱). حال، بعد از این توضیحات می‌خواهیم شیوه‌های طرح و بیان معنا را در قطعات بهار بررسی کنیم تا به این سوال پاسخ دهیم که او برای طرح و بیان معناهای مورد نظر خود از چه شیوه‌ها و ابزاری بهره برده است.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- شیوه‌ها و ابزار ساختاری بیان معنا

۳-۱-۱- حکایت

استفاده از قالب و ساختار حکایت برای بیان معنا یکی از شیوه‌هایی است که به‌ویژه در آثار تعلیمی و تربیتی سابقه و رواج بیشتری داشته است؛ به گونه‌ای که شاعران و نویسندگان حکایت را به منزله پیمانه‌ای تصور می‌کردند و معنی (حکمت و پند و اندرز) را در آن می‌ریختند و به خواننده عرضه می‌کردند. بهار در قطعات خود، ۵ بار از قالب حکایت برای بیان معنا استفاده کرده است؛ زبان مادر (ص ۱۰۴۴)، ثروت، زن، کردار (ص ۱۰۴۶)، آیا حق با کیست؟ (ص ۱۰۴۹)، وعده مادر (ص ۱۰۶۲) و تضمین قطعه سعدی (ص ۱۰۷۸). هدف بهار در هر ۵ حکایت بیان نکات تربیتی و اخلاقی و تعلیمی است. نکته قابل توجه در این حکایت‌ها جایگاه و نقش مادر است؛ به گونه‌ای که در سه حکایت، ماجرا بین مادر و پسر جوانش اتفاق می‌افتد که در يك حکایت (وعده مادر)، مادر با وجهه نیکو و مثبت نموده می‌شود اما در دو حکایت (زبان مادر و آیا حق با کیست) با وجهه بد و منفی. بهار در دو حکایت «زبان مادر» و «تضمین قطعه سعدی» دو مثل «عاقبت تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود» و «تأثیر کمال هم‌نشین» را پرورش داده است؛ قطعه زبان مادر حکایت پسر جوانی است که به اتهام دزدی دستگیر و به اعدام محکوم شده است. در کار چوبه دار وقتی مادرش به دیدن پسر جوان می‌آید از مادرش می‌خواهد که برای تسکین درد مرگ، زبانش را بر لب او بگذارد؛ اما همین که مادر زبانش را بر لب پسر جوانش می‌گذارد جوان زبان مادر را با دندان‌هایش قطع می‌کند. سپس علت این کار را برای مردم توضیح می‌دهد که وقتی من در کودکی؛

تخم مرغی به خفیه دزدیدم از فروشنده کنار گذر (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۴۵)

مادرم به جای تیبیه من به رویم خندید تا این که کار من به شتر دزدی کشید:

تا به اینجا کشید کار او را که شتر دزد گشت و غارت‌گر (همان)

بهار نکته تربیتی مربوط به این حکایت را ابتدا در دو بیت بیان کرده سپس حکایت را بیان کرده است:

والدین ار به روی فرزندان نغشایند از فضایل در
ضرر این جنایت آخر کار باز گردد به مادر و به پدر (همان: ۱۰۴۴)

و در حکایت «تضمین قطعه سعدی» نکته تربیتی تأثیر کمال هم‌نشین را تبیین کرده است؛ بهار این حکایت سعدی (ر.ک. سعدی، ۱۳۸۵: ۲۷) را از زبان «مرد پاره دوزی» در خطاب با «پیر عجوزی» نقل می‌کند و با افزودن این شخصیت‌ها یک حالت نوستالژیک و تأثیرگذار به حکایت سعدی افزوده است. اما سه حکایت دیگر؛ حکایت «ثروت، زن، کردار» برای تبیین این نکته تربیتی است که تنها چیزی که برای انسان باقی می‌ماند کردار و عمل اوست و هر چیز دیگری غیر از آن در این جهان می‌ماند و فایده‌ای برای او ندارد؛ چنان‌که بهار در بیت آخر می‌گوید:

ثروت و زن هر دو برگشتند لیک رفت خوبی‌های او با او به گور (همان: ۱۰۴۷)

حکایت «آیا حق با کیست» ماجرای مادر و پسری است که پسر کار می‌کند و پول زیادی به خانه می‌برد. اما مادر او که اداره‌ی خانه را بر عهده دارد پول او را می‌دزد. تا جایی که همسر و فرزندان پسر جوان در وضع فلاکت باری زندگی می‌کنند. همسر پسر جوان در اثر سخت‌گیری‌های مادرش علیل می‌شود و می‌میرد. نهایتاً پسر از دست مادرش به تنگ می‌آید و می‌خواهد خودکشی کند. مادرش می‌خواهد او را از این کار بازدارد ناگهان تیری رها می‌شود و به قلب مادر می‌خورد و می‌میرد. پسر تیری هم به خودش می‌زند که زخمی می‌شود و به بیمارستان منتقل می‌گردد. بهار چنان‌که در عنوان حکایت نیز سوال کرده (آیا حق با کیست؟)

در ظاهر حکایت هیچ‌گونه قضاوتی - درباره این‌که حق با کدام یک است؛ مادر یا پسر - ندارد؛ اما با توضیحاتی که درباره مادر آورده و صفات منفی که به او نسبت داده مشخص می‌شود که حق را به پسر جوان می‌دهد و از کارهای مادر انتقاد می‌کند. و نهایتاً در حکایت «وعده مادر» ماجرای پسر جوانی را نقل می‌کند که به اعدام محکوم شده است. مادرش به خاطر فقر نمی‌تواند برای آزادی او کاری بکند. اما وقتی در زندان به دیدار پسر می‌رود به او وعده می‌دهد که اسباب خانه را به رهن داده‌ام و با پول آن تو را نجات خواهم داد. تو در روز اعدام به «غرفه بلند» نگاه کن اگر لباس سفید پوشیده بودم مطمئن باش که تو نجات خواهی یافت. پسر جوان طبق وعده مادر امیدوار شد و در روز مرگ او را در لباس سفید مشاهده کرد و خوشحال شد که نجات می‌یابد و با شادمانی به سوی چوبه دار رفت و به دار آویخته شد. یک نفر دلیل وعده دروغین را از مادرش پرسید:

جواب داد چو نویدم گشتم این گفتم که بچه‌ام نخورد غم به وقت جان دادن (همان: ۱۰۶۳)

۳-۱-۲- روایت

در منابع مختلف در مورد روایت بحث شده و به تعریف آن پرداخته اند از جمله بی‌نیاز در تعریف آن نوشته است: «نوعی از کلام و سخن است که رویداد یا رویدادهایی را بیان می‌کند. از این رو شامل آثار غیرداستانی مانند خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، زندگی‌نامه خود نوشت و متن‌های تاریخی هم می‌شود» (بی‌نیاز، ۱۳۸۸: ۱۰۸) یکی از کهن‌ترین جلوه‌های تخیل در سروده‌های شاعران، داشتن زمینه روایی است که در ادبیات همه زبان‌ها، از قدیم سابقه داشته است و نکته مهمی است که شعرشناسان جهان از قدیم تا جدید به آن اشاره کرده‌اند (ر.ک. امامی، ۱۳۷۷: ۶۲).

با توجه به تأثیری که زمینه‌های روایی در پویایی و حرکت و پیوند شعر با زندگی و ایجاد جذابیت و کشش‌های عاطفی دارد شاعران مختلف از جمله بهار، برای ایجاد تنوع در بیان و تأثیر در مخاطب به این شیوه روی آورده‌اند؛ در میان قطعات بهار هشت قطعه از زمینه روایی برخوردارند؛ در این قطعات - به جز دو قطعه (آشوب بغداد و تربیه طبیعی) یک طرف ماجرا خود شاعر است و طرف دیگر، شوخ چشم پارسی (ص ۱۰۲۶)، زندان‌بان (ص ۱۰۲۷)، دختر فقیر (ص ۱۰۵۲)، دخترک اعجمی نسب (ص ۱۰۵۲)، خفته (ص ۱۰۶۰)، پدر (ص ۱۰۷۲). نکته قابل توجه در این روایت‌ها استفاده بهار از زبان طنز در قطعات شوخ چشم پارسی، ضلال مبین و خفتگان است که به عنوان نمونه قطعه خفتگان را نقل می‌کنیم.

می‌گذشتم شبی به گورستان	با گروهی ز عافیت کاران
نشستیم و هجر یاران را	سر گرفتیم گریه چو باران
این شنیدم که خفته‌ای می‌گفت	با مقیمان خاك، کای یاران
بنگرید این عجب که می‌گیرند	خفتگان بر مزار بیداران (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۶۰)

۳-۱-۳- گفت‌وگو

میرصادقی درباره گفت‌وگو می‌نویسد: «صحبتی که میان دو شخص یا بیشتر رد و بدل می‌شود یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثری ادبی (داستان، نمایش‌نامه، شعر و ...) پیش می‌آید، گفتگو می‌نامند» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۴۶۶). گفتگو یکی از شیوه‌های طرح و بیان معناست که برای طبیعی جلوه دادن کلام و تجسم آن در ذهن خواننده مورد استفاده شعرا و نویسندگان قرار می‌گیرد؛ چرا که مضمون مورد نظر شاعر یا نویسنده وقتی صورت مکالمه به خود می‌گیرد به داستانی تأثیرگذار تبدیل می‌شود. بهار از شاعرانی است که روش گفت‌وگو را برای بیان معنا مورد توجه قرار داده و در ۱۶ قطعه از این امکان زبانی بهره گرفته است. از میان این ۱۶ قطعه، ۹ قطعه کلاً به شیوه گفت‌وگو بیان شده و در ۷ قطعه نیز گفت‌وگو جزئی از روایت است و از خود استقلالی ندارد؛ این گفت‌وگوها در قطعات بهار به ۵ صورت به کار رفته‌اند:

الف) گفت‌وگوی عادی: در این گفت‌وگوها منطق مباحثه حاکم است و به صورت متناوب، نقل قول‌ها با فعل‌های «گفتم» و «گفت» بیان می‌شود؛ بهار در ۲ قطعه خود از این شیوه بهره گرفته. در هر دو قطعه یک طرف گفت‌وگو خود بهار است و طرف‌های دیگر «آزان» و «دل»؛ قطعه‌ی اول در انتقاد از نبود آزادی است که در زندان سروده و قطعه‌ی دوم را در مرگ پدرش سروده است که بیت اول آن را نقل می‌کنیم:

گفتم به دل چرا طربت شد بدل به غم گفتا پس از صبوری‌ام از دل طرب مخواه (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۸۱)

ب) تك گویی درونی: این نوع گفت‌وگو تنها در ذهن شخصیت واحدی تحقق پیدا می‌کند و افکار درونی شخصیت داستان را نشان می‌دهد و تجربه درونی و عاطفی او را غیرمستقیم نقل می‌کند (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۴۷۹). بهار در ۲ قطعه از این شیوه برای بیان معنا بهره گرفته است؛ در وصف مجله فروغ تربیت (ص ۱۰۲۰) و دختر ناکام (ص ۱۰۲۲). در این تك‌گویی‌های درونی، با دیدن حادثه‌ای یا پدیده‌ای سؤالی در ذهن شاعر ایجاد می‌شود و او پس از سؤالات مکرر و گفت‌وگو با خود نهایتاً در بیت آخر به جواب سوال می‌رسد؛ مثلاً در قطعه دختر ناکام؛

چه شد که نرگس مستش ز آب دیده‌تر است چه شد که لاله رویش به رنگ معصفر است
چرا سعادت از این تازه دختر ناکام بریده مهر و از او سال و ماه بی‌خبر است...
چه شد که این چمن نوشکفته گشته خراب بهار این همه تقصیر مادر و پدر است (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۲۲)

که در مصراع آخر جواب سؤالات او از زبان خود شاعر داده شده است.

ج) مناظره: در این نوع گفت‌وگو طرفین درباره موضوعی مباحثه می‌کنند و سعی دارند طرف مقابل را متقاعد کنند و حرف خود را به کرسی بنشانند؛ بهار از این شیوه، فقط در یک قطعه بهره گرفته است؛ نی و بلوط (ص ۱۰۶۸). در این قطعه، بلوط از روی غرور و تکبر به نی، به دلیل نازکی و ضعیفی و لاغری‌اش طعنه می‌زند و نی به او جواب می‌دهد و در نهایت بر اثر باد شدید، بلوط مغرور می‌شکند و از بین می‌رود اما نی متواضع به حیات خود ادامه می‌دهد:

با نی گفتا بلوط شرم‌ت باد زان جسم نوان و پیکر ساده ...
نی گفت ز صد توانگر والا بهتر يك ناتوان افتاده ...
دیدیم پس از دمی که باد استاد استاد نی و بلوط افتاده (همان: ۱۰۶۸)

د) سؤال و جواب: شاعر برای تجسم بهتر کلام در ذهن خواننده و صورت طبیعی دادن به آن، در مواردی گفت‌وگوها را به صورت سؤال و جواب آورده است که یکی از شخصیت‌ها گفته خود را به صورت سؤال مطرح می‌کند و دیگری جواب می‌دهد؛ بهار در ۳ قطعه از این شیوه بهره گرفته است؛ قطعات قدرت روح (۱۰۱۸)، وعده مادر (۱۰۶۳) و انسان‌سازی (۱۰۷۲). در قطعه وعده مادر، یک نفر از مادر داغ‌دیده سؤال می‌کند. و در دو قطعه دیگر خود شاعر از رفیق خود و شاه سوال می‌کند؛ به عنوان نمونه دو بیت از سؤال و جواب شاعر با رفیق خودش را نقل می‌کنیم:

بگفتم قدرت روح از چه خیزد بفرما تا کنم جبران مافات
جوابم گفت يك جو رحم و انصاف به است از سال‌ها ذکر و مناجات ...
(همان: ۱۰۱۸)

ه) پرسش بلاغی: بهار در ۸ قطعه از پرسش بلاغی برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب استفاده کرده است؛ که از این ۸ مورد، ۴ قطعه کلاً به صورت پرسش مطرح شده است؛ قطعه «کجاست؟» (۱۰۲۰) که در این قطعه پرسش برای بیان حسرت و ناراحتی است؛

خارند گلبنان، چمن‌ا پس گلت کجاست؟ پر شد ز زاغ صحن جمن، بلبلت کجاست؟...

قطعه «بر اثر توقیف روزنامه بهار (۱۰۲۱) که پرسش برای توبیخ و سرزنش طرف مقابل است؛

پادشاهها همی نگویی هیچ نامه نغز نوبهار کجاست؟...

قطعه «به منکر عشق» (۱۰۲۴) که پرسش برای بیان تعجب و شگفتی از خلقت زن است؛

سختم عجب آید ز خلقت زن کایزد را زین کرده ملتمس چیست؟...

و قطعه «از ما چه می‌خواهند؟» نیز برای بیان حیرت و شگفتی از دخالت بیگانگان در امور کشور است؛

به حیرتم که اجانب ز ما چه می‌خواهند ملوک عصر ز مستی گدا چه می‌خواهند؟....

در ۴ قطعه نیز پرسش، جزئی از روایت قطعه است و در یکی دو بیت مطرح شده که عبارتند از: بیت پنجم قطعه شکوه (۱۰۲۶) که پرسش برای تقریر و تأکید است. ابیات اول و دوم قطعه سر و ته یک کرباس (۱۰۴۸) که سؤال از باب تعجیل عارف است. ابیات ۳ و ۴ و ۶ قطعه «آرزوی محال» (۱۰۷۲) که پرسش برای بیان حسرت و آرزو است و بیت ۱۰ قطعه «جواب بهار» که پرسش از روی تعجب و شگفتی است.

۳-۱-۴- تقسیم‌بندی

تقسیم‌بندی یکی دیگر از راه‌های طرح و بیان و پرورش معناست که در علوم مختلف از جمله ابیات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ سمیعی درباره اهمیت تقسیم‌بندی می‌نویسد: «تقسیم‌بندی باعث نظم و آراستگی پدیده‌ها می‌شود و جا دادن آن‌ها را در خزانه حافظه آسان می‌گرداند. بواسطه تقسیم‌بندی مصادیق بسیار در مجموعه‌ای واحد فراهم می‌آید و مفهوم‌سازی صورت می‌گیرد که زبان و علم و معرفت انسانی با آن ملازمه دارد» (سمیعی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

بهار در قطعات خود ۸ بار از تقسیم‌بندی استفاده کرده است تا خواننده بتواند به راحتی و سهولت مطالب او را دریابد؛ او در قطعات زیر از این ویژگی استفاده کرده است: «هشت شاعر در عرب و عجم» (۱۰۱۷) که شاعران را براساس ویژگی‌های شعری‌شان تقسیم‌بندی کرده است. «دین و وطن» (۱۰۲۳) که در آن راه‌های به دست آوردن سعادت را توضیح داده است. «سنبیل‌های هلندی» (۱۰۴۱) که در آن چهار ویژگی را از چهار حیوان نام برده است. «آش کشک» (۱۰۵۹) که با تقسیم‌بندی کارهای سخت و مشکل را توضیح داده است. «شجاعت به خراسان» (۱۰۶۰) که چهار شهر ایران را براساس صفات مختلف تقسیم‌بندی کرده است. «قطعه کابوسی» (۱۰۶۹) که در آن درباره سه فضیلت پادشاهان جهان با تقسیم‌بندی توضیح داده است. «شیر باش نه کژدم» (۱۰۷۵) که راه‌های انسانیت را براساس تقسیم‌بندی تعریف کرده است. برای نمونه «قطعه کابوسی» را نقل می‌کنیم که در آن درباره سه فضیلت پادشاهان جهان بحث کرده است:

پادشاهان جهان را سه فضیلت یار است	یا یکی زین سه بودشان به عمل راهنمای
اول آن پادشهی پاک دلی دادگری	دین پژوهی که به هر کار بترسد ز خدای
یا کریمی که بیندیشد از آوازه زشت	براساس شرف و فضل شود ملک آرای
یا خردمندی صاحب نظری کاندر وقت	بنگرد عاقبت کار به تدبیر و به رای (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۶۹)

۳-۱-۵- خطابی بودن

یکی دیگر از شیوه‌های بیان معنا در قطعات بهار، داشتن جنبه خطابی است؛ ارائه معنا به شیوه خطاب باعث می‌شود که شنونده یا خواننده، خود را مخاطب مطلب احساس کنند و جنبه تأثیرگذاری آن بیشتر شود. در این گونه قطعات، استفاده از فعل‌های امر و خطابی، نمود دیگری از خطابی بودن آن‌ها است. بهار در

قطعات خود ۱۴ بار از شیوه خطاب استفاده کرده که ۵ مورد آن خطاب‌های عام است و ۹ مورد آن خطاب‌های خاص که نام قطعات خطابی، نوع آن‌ها و ... در جدول زیر توضیح داده شده است.

قطعات خطابی	خطاب عام یا خاص	شخص مورد خطاب	موضوع قطعه	معنای خطاب از نظر بلاغی
ای دختر (۱۰۴۴)	عام	دختر	توصیه برای کسب علم و هنر	تذکر و یادآوری
منت از مردمان پست مکش (۱۰۵۱)	عام	برادر	برحذر داشتن از مت کشیدن از مردمان پست	تخذیر
آش کشک	عام	حکیم	بیان بخل شخصی به نام قویم	تذکر و یادآوری
انسان‌سازی (۱۰۷۲)	عام	کسی	توصیه برای رسیدگی به مردم	تذکر و یادآوری
در تقاضای دو اسب به عاریه (۱۰۷۳)	عام	خواجه آزاده	تقاضا	طلب و سؤال
گله از قوام السلطنه	خاص	قوام السلطنه	شکایت	گله و شکایت
زرین جوشنم (۱۰۵۷)	خاص	بیش	ایراد گرفتن به نظم و نثر بهار	تحقیر و خوار داشت
دو ناله منظوم (۱۰۶۳)	خاص	حاجی حسین آقا ملک	گرفتن کتابی از بهار و ندادن پول آن‌ها	تذکر و یادآوری
مونس پدر (۱۰۶۵)	خاص	پروانه (دختر بهار)	همراهی و پرستاری بهار در سوئیس	تحبيب
تسلیت (۱۰۶۶)	خاص	سردار، حکمران بجنورد	فوت مادر و همسر	اندوه و حسرت
پادشاه (۱۰۶۸)	خاص	محمدعلی شاه	دعوت کردن قشون روس به داخل کشور	تخذیر
آسمان‌پیما (۱۰۶۹)	خاص	هواپیما	توصیف هواپیما و درخواست توجه	استغاثه و فریادخواهی
جواب به افسر (۱۰۷۱)	خاص	افسر	سرودن شعری در ردّ يك قطعه‌ی بهار (پافشاری میخ)	تحقیر و خوارداشت
در سپاسگزاری (۱۰۷۴)	خاص	حاج سیدحسین (نایب‌التولیه آستان‌قدس)	حمایت از بهار برای جانشینی پدر	تعظیم و بزرگداشت

از میان این ۱۴ شیوه خطابی که دارای مفاهیم مختلفی هستند ۴ مورد آن برای تذکر و یادآوری، ۲ مورد برای تذخیر، ۲ مورد برای تحقیر و خوارداشت و برای طلب و سؤال، گله و شکایت، تحبيب، اندوه و حسرت، استغاثه و خیرخواهی، تعظیم و بزرگداشت هرکدام یک مورد به کار رفته است. به طور کلی، بهار از ۹ معنای مختلف بلاغی در خطاب‌های خود استفاده کرده که بیانگر تنوع این مفاهیم است.

۳-۲- شیوه‌ها و ابزار توضیحی بیان معنا

۳-۲-۱- استدلال

در لغت به معنی دلیل آوردن است و در اصطلاح به این معناست که «گاهی در نوشته برای اثبات دعوی و حکم استدلال می‌شود و آن در مباحثی کاربرد دارد که دارای جنبه عقلانی باشند؛ مانند ریاضیات و مسائل فلسفی و کلامی» (سمیعی، ۱۳۸۰: ۹۷).

استفاده از فکر و لحن منطقی نکته‌ای است که در ادبیات نیز مورد توجه شعرا و نویسندگان قرار می‌گیرد؛ بویژه در قالب قطعه که مخاطب آن عاقله مردم هستند و در بیشتر موارد دارای جنبه‌ی تعلیمی و تربیتی است. شاعران برای اقناع مخاطب از شیوه استدلال استفاده می‌کنند؛ در این موارد برای قیاس و استدلال، به جای مقدمات عقلانی از مبانی خیالی بهره می‌گیرند و با استفاده از قدرت تعبیر و مضمون‌سازی، زمینه را برای بیان مقصود و باورپذیر کردن سخن خود آماده می‌کنند؛ سمیعی نیز یکی از موارد استدلال را اقناع مخاطب می‌داند که در آن مسأله جنبه عاطفی پیدا می‌کند و این نوع استدلال بویژه در شعر و زبان ادبی رواج دارد.

(همان: ۹۹). اقتناع مخاطب در ادبیات از اهمیت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که فرشیدورد آن را یکی از وسایل عمده واداشتن مردم به عمل و حرکت می‌داند که بیشتر جنبهٔ برهانی و استدلالی دارد و از راه استدلال و شرح و بحث حاصل می‌شود (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۶۴/۲). بهار در قطعات خود ۱۶ بار از استدلال برای بیان معنا کمک گرفته است که از میان آن‌ها، بیشتر موارد (۱۱ مورد) جنبهٔ تربیتی و تعلیمی دارد و او برای اقتناع مخاطب از این شیوه استفاده کرده است؛ در این موارد، او با آوردن کلمات «که»، «چرا»، «زیرا که» و «زین رو» جملهٔ استدلالی را نقل می‌کند که از لحاظ دستوری متمم علی است برای جمله‌ی قبلی. موارد استفادهٔ بهار از شیوه‌ی استدلال عبارتند از: توصیه به محبت و مروت و بخشندگی (۱۰۱۸)، توصیه به رحم کردن به مردم (۱۰۱۹)، کسب علم (۱۰۲۵)، دلیل گریه شاعر در زندان (۱۰۲۷)، مادر بودن خاك (۱۰۳۰)، سنجیده سخن گفتن (۱۰۳۱)، خاموش (ساکت) نبودن و حرف زدن (۱۰۳۲)، شیرینی شعر فصیح‌الملک (۱۰۴۱)، توجه به و تأمل در سخن شنیده شده (۱۰۵۴)، تأمل در گفتار و کردار (۱۰۵۴)، شرمندگی شاعر از شعر ارسالی به همایی (۱۰۵۶)، استفاده از فصل بهار (۱۰۷۳)، پرهیز از تندى و خشونت (۱۰۷۴)، نگران نبودن (۱۰۷۶)، خوش‌بینی (۱۰۷۸) و توجه به نظر دیگران و خودبین نبودن (۱۰۷۸). برای نمونه دو مورد از استدلال‌های بهار را نقل می‌کنیم:

ترحم کن به مخلوق خداوند که [زیرا که] قوت روح رحم است و مساوات (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۹۱)
گر رتبت والا طلبی علم طلب کن کز [زیرا که] از علم برون زیر فلک مرتبتی نیست (همان: ۱۰۲۵)

که شاعر در مثال اول برای تبیین ترحم به مردم و در مثال دوم برای تبیین اهمیت علم و نقش آن در بلند مرتبگی انسان از استدلال استفاده کرده است.

۳-۲-۲- بررسی علل و نتایج

یکی از راهکارهای بیان مطلب است و سمیعی در این مورد می‌نویسد: «در پاره‌ای امور فرض بر این است که علل و اسباب بر مخاطب معلوم و روشن است یا بر او مهم نیست؛ در این حالت ورود در آن‌ها وجهی ندارد اما در پاره‌ای دیگر، به خلاف، علل و اسباب معین نیست یا محل اختلاف است و معلوم ساختن آن‌ها نیاز به بررسی دارد و مخاطب نیز به آن‌ها علاقه‌مند فرض می‌شود؛ در این حالت باید به آن‌ها پرداخت و بحث درباره‌ی آن‌ها خود یکی از راه‌های پروردن مطلب است» (سمیعی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). البته بررسی علل و نتایج در علوم مختلف، متفاوت است و نشان دادن علل و نتایج در علوم انسانی به مراتب دشوارتر از علوم تجربی و آزمایشگاهی است؛ زیرا در علوم انسانی، مقدمات و پیش زمینه‌های بیشتری لازم است و اصلاً در برخی از آن‌ها بر سر علت یا معلول بودنشان اختلاف نظر وجود دارد. بررسی علل و نتایج در قطعات بهار از نوع دوم است و با توجه به این که دارای زمینه تربیتی و تعلیمی هستند بیشتر حالت اقتناعی دارد و شاعر برای تأثیرگذاری در خوانندگان و به کرسی نشاندن سخن خود از این شیوه استفاده کرده است. شیوه طرح علل و نتایج آن‌ها در قطعات بهار به این صورت است که او برای اثبات سخن خود در موضوعی، ابتدا علت را ذکر می‌کند و سپس به نتایج حاصل از آن می‌پردازد. به طور کلی بهار در قطعات خود، ۶ بار از این شیوه برای پروردن معنا استفاده کرده است که عبارتند از: قطعهٔ «خانهٔ آخرت» (۱۰۱۹)؛ عدم تهیهٔ توشه برای جهان دیگر و فراهم نکردن خانه، نتیجه‌اش این است که انسان هنگام مرگ گمراه شود و خانه‌اش را نشناسد. قطعهٔ «اخلاق» (۱۰۲۳)؛ نتیجهٔ بی‌اخلاقی اقوام، مرگ آن‌هاست. قطعهٔ «صبر و ثبات» (۱۰۳۴)؛ پایداری کردن در برابر حوادث گیتی، نتیجه‌اش عدم تأثیر حوادث است. قطعهٔ «جهد و کوشش» (۱۰۴۰)؛ برتری پول بر قدر و شرف، نتیجه‌اش ارزشمندی و تقدس افراد ناکس است. قطعهٔ «بهترین دوست کتاب است» (۱۰۴۱)؛ نتیجهٔ معاشرت با خلق، رنج و زحمت و نتیجهٔ ترك صحبت و گوشه‌نشینی، رهایی از رنج و زحمت است. قطعهٔ «خدمت استاد» (۱۰۵۵)؛ درس خواندن در حضور استاد، نتیجه‌اش کامل شدن انسان در هر علم و هنری است.

۳-۲-۳- مقایسه

یکی دیگر از شیوه‌های بیان معنا و پرورش معانی که مبنای آن بر توضیح و تفسیر است مقایسه می‌باشد؛ سمیعی دربارهٔ کارکرد مقایسه می‌نویسد: مقایسه باعث می‌شود که مفهوم روشن‌تر و بارزتر بیان شود و حد و مرز هر مفهومی تعیین، شباهت‌ها و تفاوت‌ها معلوم یا درجات و مراتب مشخص گردد (سمیعی، ۱۳۸۰).

(۱۰۴). روشن‌گری مقایسه از این جهت است که مفهومی را در برابر مفهومی دیگر قرار می‌دهد و این تقابل باعث می‌شود که بواسطه بیان شباهت‌ها یا تفاوت‌ها، درجه قرابت یا تباین طرفین مشخص گردد و ویژگی‌های مورد مقایسه بیشتر و بهتر تبیین شود. بهار در قطعات خود از مقایسه به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزار بیان معنا استفاده کرده است؛ او کلاً ۹ بار از این امکان زبانی استفاده کرده که در جدول زیر قطعات مورد نظر، موضوعات مورد مقایسه، اغراض مقایسه‌ها و توضیحات آن‌ها نشان داده می‌شود.

نام قطعه	موضوع و مفهوم مقایسه	اغراض مقایسه	توضیحات
کریم و لئیم (۱۰۱۷)	تقابل فضایل و رذایل اخلاقی	بیان وجوه تفاوت و تمایز	مقایسه کریم و لئیم از لحاظ ارزشمندی و برتری دادن کریم
در وصف داناو جاهل (۱۰۲۵)	تقابل فضایل و رذایل اخلاقی	بیان وجوه تفاوت و تمایز	مقایسه نادان و خردمند (دانا) از لحاظ جایگاه و برتری دادن دانا
در دوران گرفتاری (۱۰۲۵)	تقابل فضایل و رذایل اخلاقی	بیان وجوه تفاوت و تمایز	مقایسه دورویی و صداقت و برتری دادن صداقت
نور مخفی (۱۰۳۶)	مقایسه يك مسأله سنتی با يك پدیده‌ی مدرن	بیان وجوه شباهت	مقایسه نور جمال معشوق با اختراع غربی‌ها برای معاینه‌ی قلب از طریق تشبیه تفصیل ضمنی که شاعر با قراردادن يك امر محسوس در برابر يك امر معقول به روشنگری پرداخته است.
نالۀ ملّت (۱۰۶۱)	تبیین يك مسأله اجتماعی	بیان وجوه شباهت	مقایسه نالۀ ملت با بانگ خوفناك توپ، صاعقه، غرش طوفان و ناله‌های آتشفشان؛ که با توجه به محسوس بودن این صداها برای مخاطب، شاعر نالۀ ملّت را با آن‌ها مقایسه کرده و مفهوم آن‌را برجسته کرده است.
در تحمل نکردن زور (۱۰۶۱)	بیان يك فضیلت اخلاقی	بیان وجوه شباهت	شاعر دشواری زیر بار زور رفتن را با امور دشوار زیر نیش مارها خفتن، به لانه‌ی زنبورها رفتن، با دو چشم کور به کوه بیستون رفتن و... مقایسه کرده تا مفهوم مورد نظر خود را بهتر و روشن‌تر تبیین کند.
عزّ من قنع (۱۰۶۲)	بیان حال خود شاعر	بیان وجوه تفاوت و تمایز	مقایسه جایگاه شاعر در نزد فقرا و امرا و برتری دادن فقرا
آرزوی محال (۱۰۷۱)	تقابل فضایل و رذایل اخلاقی	بیان وجوه تفاوت و تمایز	مقایسه آزادگی و سفلیگی و فضل و جهل و برتری دادن آزادی و فضل
زینت مرد (۱۰۷۷)	تقابل فضایل و رذایل اخلاقی	بیان وجوه تفاوت و تمایز	مقایسه دانشمندان با خرد در لباس ژنده با سفلیگان بی‌کمال در لباس پادشاهی و برتری دادن عقل

۳-۲-۴- تداعی معانی

تداعی معانی از ابزارهای زبانی و یکی از شیوه‌های بیان معنا است و «در اصطلاح شعر و ادبیات شگردی است که اساس آن فراخوانی هر نوع ادراک حسی یا فکری از هر پدیده یا هر اندیشه‌ای به وسیله مطرح ساختن پدیده یا اندیشه‌ای مرتبط با آن است» (شریفی، ۱۳۸۸: ۳۹۸). سیماداد، تداعی معانی را مبنا و اساس شعر می‌داند و آن‌را به پی بردن از معنی‌ای به معنی دیگر و از مفهومی به مفهوم دیگر تعبیر و تعریف می‌کند (۱۳۸۳: ۱۲۳). تداعی معانی به عنوان یکی از

شیوه‌های بیان معنا از این لحاظ که ذهن شاعر یا نویسنده را از موضوع و مطلب یا حتی واژه‌ای به سمت مطلب جدیدی سوق می‌دهد و به عبارت دیگر مطلب جدیدی را به ذهن شاعر یا نویسنده می‌آورد و باعث می‌شود مطلب جدید هم‌چون جوانه‌ای از شاخه دیگر سر برزند به پرورش معنا کمک می‌کند. بهار در قطعات خود بارها از این شیوه بیان و امکان زبانی بهره گرفته و مضمون‌سازی کرده است؛ به عنوان مثال صحبت از علامه همایی، پرندۀ هما را در ذهن او تداعی کرده و همایی را همای فضیلت خوانده است:

همای فضیلت همایی که او را دعاها پی راحت جان فرستم (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۵۶)

یا بحث تحمّل محنت، صبر ایوب را برای او تداعی کرده است:

مرد را شاید در محنت روز افزون صبر ایوب نبی لختی برخواند (همان: ۱۰۳۴)

موارد دیگر تداعی معانی در قطعات بهار عبارتند از: بحث درباره مجلس شورا و انتقاد از آن، تداعی کننده شورای مسلمانان بعد از رحلت پیامبر برای شاعر است (۱۰۱۹)، صحبت از پروانه - که نام دختر شاعر است - شمع را در ذهن او متبادر کرده است (۱۰۲۶)، سفیدی برف، یادآور سفیدی شیربرنج است (۱۰۲۷)، برج جدی - که به معنی بزغاله است - حمل (گوسفند) را به ذهن شاعر می‌آورد (۱۰۲۹)، اشاره به مرگ یوسف پدر پروین اعتصامی، تداعی کننده بیت حزن و گم شدن حضرت یوسف است (۱۰۳۹)، اشاره به کلمه همسر در تسلیت دادن به آقای محمد دانش بواسطه مرگ همسرش، کلمه همسر (همراه) را به یاد او آورده و ترکیب «همسر رنج» را ساخته است (۱۰۴۷)، اشاره به گلوله زدن سرباز به چانه‌اش، ترکیب چانه زدن را به ذهن او متبادر کرده (۱۰۴۹)، اشاره به کلمه صاحب قرآنیه، کلمه قرآن (ریال) را تداعی کرده است (۱۰۵۶)، صحبت از صبوری - که نام پدر شاعر است - یادآور کلمه‌ی صبر برای او شده است (۱۰۶۰)، کلمه ماه (معشوق)، هلال را که نماد و یادآور لاغری است تداعی کرده (۱۰۷۳)، بهار (نام شاعر)، یادآور فصل بهار شده (۱۰۷۳)، خطۀ افغان، فغان را به ذهن شاعر آورده (۱۰۸۰)، با آوردن صبوری (نام پدر شاعر)، صبوری (صبر) به ذهن او متبادر شده است (۱۰۸۲) و کلمه موزه برای او یادآور موزه (کفش) شده است. بهار در این تداعی معانی‌ها، از آرایه‌ها و صور خیال مختلف از جمله: تشبیه، تلمیح، تناسب، ایهام تناسب، جناس تام، جناس اشتقاق، جناس ناقص و ... بهره گرفته است.

۳-۲-۵- تعریف

تعریف و تفسیر مطلب در پروردن معنا نقش بسزایی دارد؛ به گونه‌ای که «در برخی از علوم و فنون و معارف به حکم سرشت و خصلت آن‌ها مطلب از تعریف آغاز می‌شود و پرورش مطلب در حقیقت، توضیح و تشریح اجزای تعریف و استنتاج خواص و احکام آن‌هاست» (سمیعی، ۱۳۸۰: ۸۳). تعریف و تفسیری که در ادبیات به کار می‌رود علمی و منطقی نیست بلکه ناشی از ذوق و سلیقه شاعر و نویسنده است؛ تعریف و تفسیرهای به کار رفته در قطعات بهار نیز از این مقوله هستند و شاعر با استفاده از این شیوه بیان، نظر و دیدگاه خود را درباره موضوعات مختلف بیان کرده است؛ به‌طور کلی بهار در ۵ قطعه از امکان زبانی تعریف استفاده کرده که از لحاظ شکلی به صورت‌های زیر به کار رفته‌اند:

- به صورت جمله اسنادی که در آن از لحاظ دستوری، گزاره، نهاد را تفسیر می‌کند؛ مانند تعریفی که از دختر خودش ارائه می‌دهد:

تو بخت منی در آستان من تو دست منی در آستین من (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۶۵)

برای توضیح و تفسیر لفظ «آن»؛ که در این صورت در نقش بدل توضیحی بعد از «که» تأویلی می‌آید:

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب باز در دل‌ها نشیند هر کجا گوشی شنفت (همان: ۱۰۲۷)

- برای توضیح و تفسیر «ی» نکره؛ که در این صورت جمله بعد از «که» تأویلی، بدل توضیحی برای «ی» نکره است؛ در ابیات زیر «ی» باغی، چاهی، دردی و شاخی نشانه نکره است و جمله بعدی در توضیح آن آمده است:

باغ دانایی باغی است که فردوس آنجاست	چاه نادانی چاهی است که قعرش درک است
درد بی‌علمی دردی است که درمانش نیست	شاخ نادانی شاخی است که بارش خشک است (همان: ۱۰۲۲)
در جواب سؤالی که با فعل «چیست» مطرح شده است:	
شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل	شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت (همان: ۱۰۲۷)

- به صورت صفت برای کلماتی که با وصف اشاره «آن و این» آمده که جمله بعد از «که» تأویلی، نقش وصفی دارد؛ در بیت زیر جمله بعد از «که» صفت است برای «آن کس» و «آن عقاب»:

آن کسم من کز سر خودکامگی	سر فرو نارم به نزد هیچ کس
آن عقابم من که باشد جای من	یا به دست خسروان یا در قفس (همان: ۱۰۵۰)

با استفاده از کلمه تفسیری «یعنی» که در قطعه «لطیفه» (۱۰۳۹) آمده و ما برای رعایت ادب از نقل آن صرف‌نظر می‌کنیم.

۳-۲-۶- توصیف

توصیف یکی از راه‌های رایج بیان معنا و پروردن مطلب است که در علوم مختلف کاربرد دارد و در ادبیات هم در شاخه‌های مختلف آن مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ فرشیدورد در تعریف توصیف می‌نویسد: «برشمردن و مجسم کردن عالم خارج و محیط است به شکلی زنده و گویا به قسمی که در خواننده یا مستمع همان احساس نویسنده یا گوینده ایجاد شود» (۱۳۸۲: ۵۶۰/۲). در ادبیات غرض از توصیف، برانگیختن احساسات مخاطب است که این مسأله با تجسم بهتر مطلب صورت می‌گیرد؛ با توجه به این که شعرا و نویسندگان در توصیف از اطناب استفاده می‌کنند و شیء مورد وصف را به تفصیل توضیح می‌دهند برای تأثیر در خواننده و برانگیختن احساسات و اقناع، شیوه مناسبی به شمار می‌رود.

بهار در قطعات خود، ۱۰ بار از شیوه توصیف برای بیان معنا و پروردن مطلب استفاده کرده است که از میان آن‌ها ۸ قطعه کلاً وصفی است که عبارتند از: «برف» (۱۰۲۷)، «سنبل‌های هلندی» (۱۰۴۱)، «شوخ پاریسی» (۱۰۴۴)، «مردمان لئیم» (۱۰۵۳)، «در وصف محبس» (۱۰۷۷)؛ ۳ قطعه از این ۸ قطعه نیز به شکل لغز و چیستان است: «بهترین دوست کتاب است» (۱۰۴۲)، «آسمان پیما» (۱۰۶۹) و «لغز» (۱۰۷۷). در دو قطعه نیز فقط در یک بیت به توصیف پرداخته است؛ «قطعه کابوسیه» (۱۰۷۰) که در بیت ۹ پادشاه را به شیوه تنسیق الصفات توصیف کرده و قطعه «در تقاضای دو اسب به عاریه» (۱۰۷۳) که در بیت ۵ به توصیف معشوق پرداخته است. بهار در این قطعات وصفی برای مادی و ملموس شدن بهتر مطلب و تجسم آن در ذهن مخاطب از مشبّه‌های حسی بهره برده است؛ مانند قطعه «برف» که به شیوه شاعران سبک خراسانی و با استفاده از مشبّه‌های حسی، به توصیف برف پرداخته است:

ابری به خروش آمد چون قلزم مَوّاج	بر روی زمین بیخت هزاران ورق عاج
گویا فلک امروز بریزد به سر خلق	پس مانده آن شیر برنج شب معراج
حلاج شده است ابر و زند برف چو پنبه	لرزان من از این حادثه چو خایه حلاج
گویی که یکی سید منديل عوض کرد	زان برف فراوان که نشسته به سر کاج (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۲۷)

بهار در این توصیف‌ها، از لحاظ بلاغی بیشتر از تشبیه- آن هم تشبیهات ملموس و محسوس- برای معرفی موصوف استفاده کرده و گاهی برای بیان بهتر مطلب توصیفی از تقسیم‌بندی بهره برده و همچنین گاهی برای جذابیت و شیوایی مطلب توصیفی، شیوه لغز را برای معرفی آن به کار برده است.

۳-۳- شیوه‌ها و ابزار استنادی بین معنا

۳-۳-۱- تضمین

در لغت به معنی چیزی را در میان چیزی نهادن و در اصطلاح «چنان است که شاعر، مصرعی یا بیتی یا دو بیت یا بیشتر، از اشعار دیگری را در محلی که ضرور و لایق و درخور باشد، در شعر خود بر سبیل تمثیل و عاریت بیاورد و باید آن شعر، مشهور باشد و در آوردن آن اشارتی کند به شاعر آن یا به طریقی که معلوم شود از دیگری است که سامع حمل بر سرقت آن ننماید» (هدایت، ۱۳۸۳: ۴۸). بهار در مواردی با استناد به شعر سایر شاعران، معنای مورد نظرش را تبیین کرده است و با استفاده از شیوهی تضمین به پرورش مطلب پرداخته است؛ او در قطعاتش ۶ بار شعر شاعران دیگر را تضمین کرده است که در چهار مورد به نام شاعری که شعرش را تضمین کرده اشاره کرده و دو مورد را نیز بدون اشاره به نام شاعر آورده است؛ روش بهار در تضمین به این صورت است که او ابتدا با زمینه‌سازی به تضمین شعر از دیگری اشاره می‌کند؛ با عباراتی مانند: «بیتی خواندم به یک کتاب...»، «این بیت را که از اثر طبع دیگری است»، «قصه کوتاه کن چه گوید بنت کعب» و... و با تعریف و تمجید از شعر تضمین شده، بیت یا ابیات تضمینی را ذکر می‌کند. شاعرانی که بهار شعری از آنها تضمین کرده عبارتند از: ابن یمین (۱۰۳۳) بدون اشاره به نام شاعر، سعدی (۱۰۳۵ و ۱۰۷۸) که در اولی به شاعر اشاره نکرده و در دومی که تضمین قطعه‌ی معروف «گل خوشبوی» سعدی است در عنوان شعر آورده است؛ تضمین قطعه‌ی سعدی؛ سپس هر چهار بیت قطعه‌ی سعدی را به صورت تضمین در میان ابیات خود آورده است رابعه بنت کعب (۱۰۳۷)، ناصر خسرو (۱۰۶۷) و رودکی (۱۰۷۶)؛ که شاعر در بیت زمینه‌سازی به لفظ تضمین و هم‌چنین نام رودکی اشاره کرده است:

به حسب حال خود این بیت کرده‌ام تضمین ز قول رودکی آن شاعر خراسانی
به حسن صوت چو بلبل مقید قفسم به جرم حسن چو یوسف اسیر و زندانی (بهار، ۱۳۸۱: ۱۰۷۶)

۳-۳-۲- نقل سخن دیگران

روش دیگری که بهار برای طرح و بیان معنا و پروردن مطلب، از آن استفاده کرده استناد به سخن دیگران است که ۶ بار از آن بهره برده است؛ اشخاصی که او به نقل سخن آن‌ها پرداخته به جز یک مورد (۱۰۷۲) - که از قول پدرش نقل کرده - بقیه ناشناس هستند که عبارتند از: بدون اشاره به گوینده با فعل «گویند» (۱۰۴۳)، مشت زن پیر (۱۰۴۳)، حکیمی (۱۰۴۷)، آزادگان (۱۰۴۸) و حکیمان جهان (۱۰۶۹). نکته مهم این نقل قول‌ها، مضمون تربیتی و ارشادی آن‌هاست که شاعر برای تنوع و تقنین در بیان معنا به سخن دیگران استناد بسته است تا تأثیر بیشتری در مخاطبان داشته باشد؛ او در این قطعات خوانندگان را به فرصت طلبی، شاد بودن در جهان و غم نخوردن، پرهیز از خودپسندی و عدل و داد دعوت کرده است؛ مانند نمونه زیر که از قول حکیمان جهان نقل کرده است:

عدل کن عدل که گفتند حکیمان جهان مملکت بی‌مدد عدل نماند بر جای (همان: ۱۰۶۹)

۳-۳-۳- استناد به آیات و احادیث

در مقایسه با دلایل عقلی و منطقی، مطالب نقل شده از قرآن و حدیث در عاقله مردم تأثیر بیشتری دارد؛ به همین جهت یکی از مواردی که - به‌ویژه بعد از قرن ششم - مورد توجه شعرا و نویسندگان قرار گرفته استناد به آیات و احادیث و پروردن معنا به کمک آن‌هاست؛ سمیعی استناد به قرآن و حدیث را از باب استشهاد می‌داند و می‌نویسد: «در متون قدیم، به نمونه‌های فراوانی از استشهاد نویسندگان به آیات و احادیث و اخبار و سخن بزرگان، از شعر و نثر برمی‌خوریم» (سمیعی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). بهار مثل شاعران دیگر در مواردی کلام خود را با استناد به آیات و احادیث آراسته است؛ او به صورت‌های تلمیح، اقتباس و حلّ، برای اثبات و تأیید معنای مورد نظرش از آیات و احادیث استفاده کرده است؛ تلمیحات او عبارتند از: حضرت موسی و قیس (۱۰۲۴)، حضرت ایوب و صبر (۱۰۳۴)،

حضرت یوسف و گم شدن و بیت حزن (۱۰۳۹)، پیغمبر شدن کودک نجار (حضرت ابراهیم) (۱۰۳۹)، حضرت موسی و سحر (۱۰۵۱)، لاجول گفتن (۱۰۵۴)، حضرت عیسی و دم (۱۰۵۸) و حضرت یوسف و زندانی شدن (۱۰۷۶). اقتباس‌های او نیز در موارد زیر صورت گرفته است: ضلال مبین؛ برگرفته از سوره یس: ۲۴ (۱۰۵۲)، عذاب الیم؛ در آیات متعدد به کار رفته از جمله: بقره: ۱۰ (۱۰۵۹)، کَلَّ مَنْ عَلَيْهَا فَاَنْ؛ برگرفته از الرحمن: ۲۶ (۱۰۶۱). موارد حلّ نیز عبارتند از: عظم رمیم؛ برگرفته از یس: ۷۸ (۱۰۵۸)، جَنَّتِ الْخُلْدُ تَحْتَهُ الْاَنْهَارُ؛ برگرفته از توبه: ۷۲ (۱۰۴۳).

به طور کلی بهار در قطعات خود ۱۳ بار به آیات و احادیث استناد کرده است؛ ۸ بار به صورت تلمیح، ۳ بار به صورت اقتباس و ۲ بار به صورت حلّ. از لحاظ موضوعی ۷ مورد برگرفته از داستان‌های پیامبران است و ۶ مورد باقی مانده تعبیرات و ترکیبات برگرفته از آیات قرآنی هستند.

نتیجه‌گیری

به دلیل اهمیت شیوه بیان، بهار در قطعات خود از شیوه‌ها و ابزار مختلفی برای پروردن و طرح و بیان معنا استفاده کرده است که به ترتیب فراوانی عبارتند از: الف) توضیحی؛ جمعا ۶۰ مورد است که شامل استدلال (۱۶ مورد)، بررسی علل و نتایج (۶ مورد)، مقایسه (۹ مورد)، تداعی معانی (۱۶ مورد)، تعریف (۵ مورد) و توصیف (۸ مورد). ب) ساختاری؛ جمعا ۵۱ مورد است که شامل حکایت (۵ مورد)، روایت (۸ مورد)، گفت‌وگو (۱۶ مورد) - که از این میان ۲ مورد گفت‌وگوی عادی، ۲ مورد تک‌گویی درونی، ۱ مورد مناظره، ۳ مورد سؤال و جواب و ۸ مورد پرسش بلاغی است - تقسیم‌بندی (۸ مورد) و خطابی بودن (۱۴ مورد) - که ۵ مورد آن خطاب‌های خاص است و ۹ مورد خطاب‌های عام.

ج) استنادی؛ جمعا ۲۵ مورد است که شامل تضمین (۶ مورد)، نقل سخن دیگران (۶ مورد) و استناد به آیات و احادیث (۱۳ مورد). نکته قابل ذکر در استدلال‌ها، بررسی علل و نتایج، تعاریف، توضیحات و ... جنبه‌ی ذوقی و ادبی داشتن آنهاست که برای اقناع خواننده بیان شده است و با دلایل و تعاریف و توضیحات عقلی و منطقی متفاوت است. به طور کلی به دلیل اینکه در قالب قطعه عمدتاً مخاطب، عامه مردم هستند و بیشتر جنبه ارشادی و تعلیمی دارد شیوه بیان برای شاعر اهمیت زیادی داشته است و او برای تنوع و تفنن در بیان، پرهیز از یکنواختی کلام، تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب و اقناع او، برانگیختن احساسات مخاطب، تجسم بهتر مطلب در ذهن خواننده، به کرسی نشاندن حرف خود، ایجاد نظم و آراستگی در کلام، روشن‌تر و بارزتر بیان کردن معنا و ... از شیوه‌ها و ابزار مختلفی برای پروردن و طرح و بیان معنا بهره گرفته است.

پیشنهاد تحقیق جدید

برای تحقیقات دیگر پیشنهاد می‌شود سایر قالب‌های شعری بهار از لحاظ شیوه بیان مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

۱. امامی، نصرالله (۱۳۷۷). پرنیان هفت رنگ، چاپ سوم، تهران: جامی.
۲. بهار، محمدتقی (۱۳۸۱). دیوان، تهران: نگاه.
۳. بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۸). درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی، چاپ دوم، تهران: افراز.
۴. داد، سیما (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
۵. دشتی، علی (۱۳۸۰). نقشی از حافظ، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
۶. دیچز، دیوید (۱۳۶۹). شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران: علمی.
۷. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲). شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. سمیعی، احمد (۱۳۸۰). آیین نگارش و ویرایش، تهران: سمت.
۹. شریفی، محمّد (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: نو و معین.
۱۰. شمیسا، سیروس (۱۳۷۷). معانی، چاپ پنجم، تهران: میترا.
۱۱. ——— (۱۳۸۳). نقد ادبی، چاپ پنجم، تهران: میترا.
۱۲. غلامرضایی، محمد (۱۳۸۸). سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۸). درباره نقد ادبی، چاپ پنجم، تهران: قطره.
۱۴. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
۱۵. میرصادقی، جمال (۱۳۹۲). عناصر داستان، تهران: سخن.
۱۶. هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۳). مدارج البلاغه، تصحیح حمید حسنی، تهران: فرهنگستان.

Analysis of Designing and Expressing Methods of Meaning in "Bahar" Pieces

Masume bustani¹, Hamidreza farzi^{2*}, Ebrahim poordargahi³

¹ PhD Student of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

^{2*} Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Corresponding author)

³ Assistant Professor Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Email: farzi@iaut.ac.ir (Corresponding author)

Abstract

One of the important concerns of the poets is that how they can develop the meaning and plan and express it so that it can have a greater impact on the audience. Among the different methods to develop and express the meaning, piece seems more important considering that its audience is mainly the public people and its most important topics are as moral and judgmental advice. One of the most important poets in contemporary literature is Malek al-Shoare Bahar, who wrote about 150 pieces on various topics and used different methods to develop and express the meaning. They are analyzed in this article in a descriptive-analytical method and based on library studies. The authors have assumed that Bahar used different methods and strategies to develop and express the meaning in his pieces. Based on the mentioned idea and by analyzing the content of the pieces, Bahar's different methods to express the meaning has been proven and discussed in three structural, descriptive and referential sections. The results show that the way of developing and expressing the meaning was very important for Bahar. He used these strategies for showing the diversity and refinement in expression, avoiding uniformity, influencing the audience and persuading him, evoking their emotions, better visualizing the content in the mind of the reader, proving his ideas, creating the order and beauty in words, expressing the meaning more clearly and so on.

Key words: Bahar Pieces, Expression, Meaning Developing, Structure, Description.